



به فرزندم در ایران به رسمت و احترام
RUE D'ANJOU ST 144
(HÔTEL PRIVÉ)
از پدرش

«نادار» (۱۸۲۰-۱۹۱۰ م) نام مستعار گاسپار فلیکس تورناشون (۱) عکاس، نقاش، رسام و نویسنده فرانسوی متولد پاریس است. وی در شاخه‌های متنوع عکاسی پیشگام بود. برای بیش از سی سال موضوعهای او هنرمندان، افراد مشهور و ثروتمندان شهر پاریس بود. برخی تاریخ‌نگاران هنری، عکسهای نادار را در برزخ میان هنر و مصرف‌گرایی قرار می‌دهند و شماری از عکسهای پرتزه نادار را که در ارتباط با استطاعت مشتریها بود، دلیل این مدعا ذکر می‌کنند.

این مقاله به بررسی عکسهایی که او از ناصرالدین شاه، اعتمادالسلطنه، ملیجک، فرخ خان امین‌الدوله و... هنگام سفر آنها به پاریس گرفته می‌پردازد.

ناصرالدین شاه به دلیل علاقه فراوانی که به عکس و عکاسی داشت و ضمناً دوست داشت عکاسان ماهر خارجی عکسهای خوبی از او بگیرند، در سفرهایش به اروپا در شهرهای بزرگ اغلب به سراغ عکاسان می‌رفت یا آنان را به حضور می‌پذیرفت. (۲)
ناصرالدین شاه در سفرش به فرنگ در ۱۲۹۰ هـ. ق / ۱۸۷۳ م. در ماه جمادی‌الاولی و در شهر پاریس (۳) نادار، عکاس معروف فرانسوی را به حضور پذیرفت و اجازه داد عکسهایی از او بگیرد.

در همین مورد و برای رجوع به تاریخی که نادار از ناصرالدین شاه عکس گرفته به روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان رجوع می‌کنیم:
«روز دوشنبه [۱۲ جمادی‌الاول ۱۲۹۰ قمری] ... نادار که عکاس قابل پاریس است به حضور آمد. عکس ما را انداخت، سابقاً با بالون زیاد به آسمان می‌رفت. اما حالا دیگر از این خیال افتاده مشغول عکاسی است. شخص بامزه خوش بینه‌ایست.» (۴)

یکی از علل اشتیاق ناصرالدین شاه به استفاده از دوربین عکاسی، مشاهده ژستهای خودش بود که در آنها از شیوه بی‌تکلف، خودمانی و غیررسمی چه از نظر جامه و چه از نظر حالت‌گیری در برابر دوربین عکاسان اروپایی، نظیر نادار تقلید می‌کرد و خواهان دستیابی به تصاویری مشابه آثار آنان بود. (۵)

قدیمی‌ترین عکسهای ناصرالدین شاه یکی پرتزهای است که وی از خود در ۸۳ - ۱۲۸۲ هـ. ق / ۵۶۶-۱۸۶ م. گرفته (۶) و دیگری پرتزه تمام رخ از مادرش (نشسته بر صندلی یا حجاب و دامن چین‌دار بلند و دستهای گره کرده برهم، تحت شماره ۲۸ از آلبوم ۲۸۹) موزه کاخ گلستان. گوشه‌های هر دو عکس به دلیل آوبزهای فیلم آن زمان قطع شده است. (۷) شاه پرتزه خود را به سبک نادار یعنی عکاسی در کارگاه دلخواه، با لباسی که آمیزهای از لباسهای اروپایی و ایرانی است گرفته... (۸)

ناصرالدین شاه در خاطرات سفر سوم خود به فرنگستان که در سال ۱۳۰۶ هـ. ق / ۸۹ - ۱۸۸۸ م. صورت گرفت به ملاقات خود با پسر نادار و عکاسی توسط او اشاره می‌کند: «روز چهارشنبه نهم ذیحجه [۱۳۰۶ هـ. ق. پاریس، باغ محل اقامت شاه] ... امروز اینجا بدتر از

نادار و عکاسی از ایرانیان

دکتر محمد ستاری
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران



روزهای پرجمعیت باغ ما [در ایران] مثل روزهای عید که پر از جمعیت می‌شد بود. بطوری که وقت این رسیده بود که بگویم به قاپوچیها مثل طهران چارو کنید، از آن جمله دو سه نفر عکاس، اسبابهای عکس خودشان را آورده بودند توی باغ کوچک، جلو اطاق پشت گوش ما روی هم چیده بودند. یکی از آنها پسر نادار عکاس [پل نادار] بود، می‌گفت: پدر نادار، به همان قوه و بنیه باقی است [در این تاریخ: نادار ۶۹ ساله بوده]، در منزل است، مادرم کهنی فلج شده است. هنوز دست و رویم را نشسته بدم می‌خواستم زودتر اینها را راه بیندازم بکنکه بیایم توی اطاقم کمی راحت شوم و چیزی بنویسم... بعد آمدیم توی اطاق که نهار بخوریم، گفتم حقیقت این است که این عکاسها را هم راه بیندازیم بروند آسوده شویم، لباس پوشیدم و شمشیر و واکسیل بند انداخته، رفتم بیرون. عکاسها از طرفین، دوربینهایشان را گذاردند و چند شیشه عکس متعدد از ما برداشتند و عزیزالسلطنه و اعتمادالسلطنه هم عکسهای گروپ متعدد انداختند... رؤسای روزنامه‌های تان [؟] و مهریال دیپلماتیک را هم اعتمادالسلطنه آورده بود توی نارنجستان دیدم، صحبت شد، جمعیت هم بود. رئیس فیکارو را هم دیروز به حضور آورده بود...» (۹)

عکسهایی که نادار از ایرانیان گرفته

امضای نادار در پای برخی از عکسهایش به صورت Nadary ثبت شده است. امضای پسرش پل نیز که ۹ - ۱۳۰۸ هـ. ق / ۱۸۹۱ م. جای پدر را گرفت (۱۰) به شکل P.Nadar در زیر بعضی از عکسهای او خودنمایی می‌کند. (۱۱)

عکسهایی که دستیاران نادار از افراد غیرمشهور و مطرح می‌گرفتند، علی‌القاعده امضاء نداشت. بزادر نادار، آردین نیز که از نام نادار در سالهای ۷۱ - ۱۲۷۰ هـ. ق / ۱۸۵۴ م. و ۷۲ - ۱۲۷۱ هـ. ق / ۱۸۵۵ م. اوج دوران کار مشترک هر دو سوء استفاده کرده بود (۱۲) پس از شکایت نادار به دادگاه و سبوری شدن چند جلسه دادرسی، (۷۳ - ۱۲۷۲ هـ. ق / ۱۸۵۶ م.) از به کار بردن نام وی در پای عکسها منع شد. (۱۳) از این رو عکسهای با امضای Nadary را می‌توان با اطمینان زیاد به این هنرمند منتسب کرد.

نادر از ناصرالدین شاه در سفر اول و سوم فرنگ، در هر سفر حداقل یک عکس برداشت. عکس اول از یک مجموعه خصوصی انتخاب شد (۱۴) و عکس دوم که امضای نادار را دارد در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر تحت شماره ۲۲۳۶ - ۱ نگهداری می‌شود. (تصاویر شماره ۲ و ۳) عکس فرخ‌خان امین‌الدوله سفیر دربار ناصری در پاریس به استناد هادی شفائیه در ۲۴ - ۱۲۷۳ هـ. ق / ۱۸۵۷ برداشته شده و در کتاب «فن و هنر عکاسی» (۱۵) به چاپ رسیده است. (تصویر ۵)

عکس دیگری که نادار در سفر سوم ناصرالدین شاه به فرنگ (۱۶) برداشت، پرتره دو نفره عزیزالسلطان (ملیجک) و اعتمادالسلطنه است که امضای نادار در پای عکس دیده می‌شود. (تصویر ۶) این عکس را نادار در دوران کهولت گرفته، دورانی که کمتر دست به دوربین می‌برد. هرچند جیمز روپین دهه ۱۸۷۰ م. / ۱۲۸۶ تا ۱۲۹۶ هـ. ق را دوران بازنستگی خود خوانسته نادار از اشتغال به عکاسی ذکر می‌کند. (۱۷) اما حداقل به استناد گفته روزنیوم، نادار در دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ م. (بین سالهای ۱۲۹۸ تا ۱۳۱۷ هـ. ق) یک استودیوی دیگر عکاسی در ماریس گشوده بود. (۱۸)

آموختن فوت و فن عکاسی به علاقه‌مندان چون حشمت‌الممالک در سال ۱۸ - ۱۳۱۷ هـ. ق / ۱۹۰۰ م. (۱۹) دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که عکس دو نفره اعتمادالسلطنه و ملیجک که آن را از کتاب «سیاستگران دوره قاجار» (۲۰) آورده‌ایم، سوای امضای آن نیز باید به نادار نسبت داده شود. حتی پرتره وینیت شده یا با هلال محو سفید از دوستعلی خان، پسر دوست محمدخان نیز باید کاری از نادار قلمداد شود. هر چند که این پرتره را در کمال بی‌حوصلگی برداشته است. (تصویر ۴)

نادر، استاد عکاسی میرزا محمدخان حشمت‌الممالک

گویا نادار در سالهای آخر عمر که کمتر به فعالیت عکاسی اشتغال داشت، به آموزش عکاسی یا راهنمایی برخی عکاسان پرداخت. قاسم صافی از قول آقای معیری به شرح حال میرزا محمدخان حشمت‌الممالک برادر دوست محمدخان معیرالممالک و فرزند دوست علی خان نظام‌الدوله (معیرالممالک) پرداخته و اشاره کرده: حشمت‌الممالک به جز سفر سال ۱۳۰۵ هـ. ق. به اروپا که برای کسب معلومات در زمینه عکاسی و آوردن وسایل لازم صورت گرفت، دو سفر دیگر به اروپا کرد که در سفر آخر که در ۱۳۱۷ هـ. ق / ۱۹۰۰ - ۱۸۹۹ صورت گرفت مدتی نزد نادار و «والری» (۲۱) عکاسان مشهور جهان در آن زمان به هنرآموزی پرداخت و نیز سراسر عمر به عکاسی آماتوری اشتغال داشت که مقدار زیادی عکس در طی این دوران از فعالیت او باقی مانده است.

حشمت‌الممالک در سال ۱۳۱۵ شمسی درگذشت. ضمناً دوست محمدخان معیرالممالک و حشمت‌الممالک برای عکاسخانه اختصاصی خود، دو دستگاه آگراندیسور برای نخستین بار به ایران آوردند. یک دستگاه با پیل‌های الکتریکی کار می‌کرد و دستگاه دیگر به وسیله چراغ نفتی قبل از آن، شیشه عکسهایی را که می‌خواستند بزرگ کنند برای آگراندیسمان به خارج می‌فرستادند. (۲۲) بچی ذکا، نیز به آموزش عکاسی میرزا محمدخان حشمت‌الممالک نزد نادار اشاراتی دارد. (۲۳)

تکنیکهای فنی و روش عکاسی نادار

دوران شکوفایی عکاسی به عنوان یک حرفه در اوایل دهه ۱۸۵۰ م. / ۱۲۶۶ تا ۱۲۷۶ هـ. ق آغاز شد و آن هنگامی بود که فرایند کلودبیون روی شیشه، توسط فردریک اسکات آرچر در ۱۸۵۱ م. / ۶۸ - ۱۲۶۷ هـ. ق. به جهانیان معرفی شد. تا قبل از عکاسی به شیوه کلودبیون بر روی شیشه، روشهای رایج و مرسوم، عکاسی بر روی صفحه حساس فلزی (داگروتیپ) (۲۴) و عکاسی بر روی نگاتیو کاغذی (کالوتیپ) (۲۵) بود.

روش کالوتیپ ارزان‌تر از داگروتیپ بود، اما به سبب حق امتیاز بالایی که مبتکر این روش برای شیوه خود قائل شد، حداقل در فرانسه عکاسان کمتر به کالوتیپ پرداختند. (۲۶)

عقب داگروتیپ، حساسیت فوق‌العاده کم صفحه‌های آن بود که زمانهای نوردهی بالایی را



نگارخانه و مطالعات فرهنگی
موسسه انسانی



پڑوسیگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شرح تصاویر:

- ۱- چهره نادار
- ۲- ناصرالدین شاه در سفر سوم به فرنگ
- ۳- ناصرالدین شاه در سفر اول به فرنگ
- ۴- دوستعلی خان معیرالممالک
- ۵- فرخ خان امین‌الدوله در پاریس
- ۶- اعتمادالسننه و ملیجک در پاریس که در سفر سوم شاه به فرنگ همراه او بودند.
- ۷- طراحی زنادر در حال عکاسی
- ۸- بالون آدوسه



سال اول، شماره دوم، صفحات ۴ الی ۱۷.

۸- آرتسو عکس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، شماره ۲۲۲۶.

۹- شفا، هادی (۱۳۷۲). فن و هنر عکاسی: چاپ اول، مؤسسه انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
۱۰- ساسانی، خان ملک (بی‌تاریخ). سیاسنگران دوره قاجار، انتشارات بلک، تهران.
منابع خارجی:

26- Rubin, James. H, Nadar, Phaidon press, London. p.8 2001.

27- Ibid,

28- Beaton, Cecil and Buckland, Gail. The magic Image (The Genius of photography from 1839 to the present Day), P. 18. Weidenfeld and Nicolson, London, 1975.

منابع فارسی:

- ۱- ذکاء، یحیی (۱۳۷۶). تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۲- قاضیها، فاطمه (۱۳۷۷). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان، چاپ اول، سزیمان اسناد ملی ایران، تهران.
- ۳- اسان، دانا (۱۳۶۸). سرازاز عکاسی در ایران، ترجمه ابراهیم هاشمی، چاپ اول، اسپیکر.
- ۴- پوهور، فردریک بن (۱۳۸۱). سورپوگین و تصویر ایران، ترجمه کاوه میرعباسی، عکس، ش ۱۸۴، ص ۵۶.
- ۵- رضوانی، محمداسماعیل و قاضیها، فاطمه (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، کتاب دوم، چاپ دوم، سازمان اسناد ملی ایران، تهران.
- ۶- صافی، فاسم (۱۳۶۸). عکسهای قدیمی ایران، رجال، مناظر، بناها و محیط اجتماعی، چاپ اول، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- ۷- نجم آبادی، مهرداد (۱۳۷۷). پرتوها، درآمدی بر تحول ساختار پرتوهای عکسخانه‌های در ایران، عکسخانه.

- 1- Beaton, Cecil and Buckland, Gail (1975). The Magic Image (The Genius of photography from 1839 to the present Day), Weidenfeld and Nicolson, London.
- 2- Rubin, James H (2001). Nadar, Phaidon press, London.
- 3- Rosenblum, Naomi (1994). The world History of photography.
- 4- The Focal Encyclopedia of photography (1982). Focal press, London.
- 5- Witkins, David and others (1994). Art pasg Art presen4 Second Edition, Harry N. Abrams, New York.
- 6- O'Brien, Maureen, c, and Bergstein, Mary. Image and Enterprise (the phogographs of Adolphe Braun, Thames and Hudson, London.
- 7- Strobel, Leslie and zakia, Richard (1993). The Focal Encyclopedia of photography, Third Edition. Focal press, Boston and London.
- 8- Rutherber and others (1998). Art of the 20th century, vol 1, Taschen verlag, kohn.